



میرزا مهدی مدرس آشتیانی
بزرگ فیلسوف شرق

مهدی کمپانی زارع

میرزا مهدی مدرس آشتیانی، از اساتید بزرگ فلسفه و عرفان اسلامی، در سده اخیر بود. وی در سال ۱۳۰۶ هـ ق (۱۲۶۸ هـ. ش) در خانواده‌ای دانشمند متولد شد. پدر وی، میرزا جعفر آشتیانی، ملقب به میرزا کوچک، از شاگردان آقا محمدرضا قمشه‌ای و مادرش دختر میرزا حسن آشتیانی، مجتهد معروف تهران، بود. وی علوم ادبی و دروس مقدماتی فقهی - اصولی را نزد پدر دانشمند خود و شیخ مسیح طالقانی تلمذ نمود. ادامه تحصیلات وی در ایران در حوزه شیخ فضل‌الله نوری و مدرسه مروی صورت گرفت. استادان او در علوم مختلف، اعم از ریاضیات، طب، نجوم، فقه و اصول، حکمت و عرفان، جمع کثیری از فضلاء حوزوی را شامل می‌شود که برای پرهیز از اطاله کلام تنها به ذکر استادان وی در حکمت و عرفان بسنده می‌کنیم. ایشان حکمت متعالیه را از سیدالحکماء آقا میرشیرازی و

حکمت مشاء را از میرزا حسن کرمانشاهی و عرفان و حکمت اشراق را از میرزا هاشم گیلانی اشکوری آموخت. پس از درک محضر بزرگان علمی حوزه در ایران، در سال ۱۳۲۷ هـ. ق، عزم عتبات عالیات نمود و از فضلاء آن مشاهد شریف، من جمله سید محمدکاظم یزدی، بهره فراوان برد.

پس از ایام معدودی، به سبب بیماری مرموزی، به ایران رجعت کرد و خیلی زود مجدداً به عراق بازگشت. در دومین سفر به عتبات در حوزه‌های درس علامه یزدی، فیروزآبادی، نائینی، آقا ضیاء عراقی و آیت‌الله اصفهانی حضور یافت و به تحصیل و تدریس مشغول شد و سرانجام در محضر میرزا ابوالحسن جلوه به درجه اجتهاد رسید.

پس از بازگشت به ایران در مدرسه مروی و سپهسالار به تدریس فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت و تا سال ۱۳۳۲ هـ. ق به نحو منظمی بدین کار مشغول بود.^۱ پس از آن به عدلیه انتقال یافت و عضو افتخاری محاکم بدایت تهران شد. بعدها سمت‌هایی نظیر ریاست محکمه صلحیه، ریاست عدلیه نیشابور، عضویت رسمی محکمه بدایت، ریاست محکمه ابتدایی، وکالت استیناف تهران، ریاست شعبه دوم محکمه ابتدایی و ریاست استیناف سیار تهران را عهده‌دار شد. پس از تشکیل دادگستری جدید، ابتدا به سمت مستشار دیوان عالی تمیز و سپس به عضویت محکمه عالی انتظامی قضات منصوب شد و در سال ۱۳۱۵ هـ. ش مستشار شعبه پنج دیوان عالی کشور شد و پس از مدتی دوباره به عضویت محکمه عالی انتظامی قضات درآمد و در سال ۱۳۲۶ باز نشست شد.^۲

وی ضمن پرداختن به امور قضایی، هیچ‌گاه از تدریس و افاده فارغ نبود. جلسات او به نحوی بود که چه در میان عوام و چه در میان خواص مطالب مختلف فلسفی و عرفانی را با آمیزه‌ای از اشعار فارسی و عربی و با ذوق سلیم شخصی همراه طایفه‌ای از اصطلاحات خاص علمی بیان می‌نمود. سید جلال آشتیانی، از شاگردان و نزدیکان ایشان، در این باب می‌نویسد: «مرحوم آقا میرزا مهدی آشتیانی اصول و عقاید درس می‌داد و مریدان خاصی داشت که همه با ذوق بودند.

مرحوم آقا میرزا مهدی سعی داشتند که مطالب را به نحوی بیان کند که مستمعین از آن بهره‌مند شوند. ولی در اثباتی بحث عالی‌ترین مسائل عرفانی و فلسفی را با شوق و حال خاصی تقریر می‌کردند که با سطح فکر مستمعان تناسب نداشت.»^۳

او مهم‌ترین کتب فلسفی و عرفانی را بارها تدریس نمود. دوازده دوره الهیات شفا، چهار دوره طبیعات شفا، پنج بار تمهیدالقول و شش بار فصوص و قرین به ۱۰ بار مجلدات مختلف اسفار و الشواهد الربوبیه را درس گفت^۴ و در هر شهری وارد می‌شد، بلافاصله درسی را در حکمت و عرفان آغاز می‌نمود؛ چنان‌که سنت حسنه ایشان در تهران، قم و اصفهان بود. خلق نکوی وی و قوت استدلال و قدرت تقریرش، علاوه بر طلاب و اهل علم، از عوام و کسبه و اهل بازار نیز دلربایی می‌نمود و اخوان‌الصفای فراوانی در میان توده مردم داشت و همین دوستان بودند که بدن



مطهر وی را از تهران به قم آورده، در کنار حرم حضرت معصومه به خاک سپردند. از زمره این طایفه از شاگردان می‌توان از میرزا حسین ساعت‌ساز نام برد که ید طولایی در شناخت ادیان و مذاهب جهان داشت. چنان‌که مشهور است، به هنگام دفن میرزا مهدی آشتیانی یکی از این شاگردان به نام حاج میرزا اسدالله اصفهانی، که از تجار معتبر بوده، چنین بیان نموده: «دیگر کسی جای جناب میرزا را نمی‌گیرد. ملک و ملکوت را لقمه‌ای می‌کرد و می‌گذاشت دهان آدم.»

وی حافظه‌ای نیرومند داشت؛ به نحوی که فصوص و مصباح را در خاطر داشت و بیان می‌نمود که پس از تدریس سه دوره از کتاب شفا نیازی به مطالعه آن ندارد.^۵ بیان وی، چه در گفتار و چه در نوشتار، بسیار فنی و پر از اشعار لطیف و اصطلاحات فنی بود. بسیار سریع‌الانتقال و حاضر جواب بود و تا از ایشان در مجلس پرسشی نمی‌شد، پاسخ نمی‌گفت. در شیوه تدریس و نگارش ایشان، امری که برجستگی خاصی دارد این است که احاطه‌ای شگفت بر

کتاب عرفا و مبانی فکری آنها در ایشان ملاحظه می‌شود. «روش مرحوم استاد آقا میرزا مهدی آشتیانی همان روش عرفاست و متصلب در این طریقه و استاد جامع متبحر در تصوف به روش ابن عربی است و مرحوم استاد تحریر آقای عصار فرمودند: "آقا میرزا مهدی از ناحیه حافظه بسیار قوی و ذوق عرفانی خودجوش، به کلمات ابن عربی و تلامیذ و پیروان او احاطه قابل تحسین داشتند. سرّ توفیق او در تصوف، تمایل و ذوق ذاتی و حضور منظم به دروس مغفوره، استاد عصر، آقا میرزا هاشم اشکوری و عدم معاشرت با ابنای زمان بود."^۶

معاصران وی نیز به مقام علمی و اخلاقی‌اش ارج بسیار می‌نهادند؛ و بزرگی چون امام خمینی، هرچند خود از فحول حکمت و عرفان بود و مستقیماً شاگردی وی را نکرده بود، ایشان را در ردیف اساتید بزرگ خود می‌دانست. سید جلال آشتیانی در این باره واقعه‌ای را نقل می‌کنند که بسیار قابل توجه است. «مرحوم استاد آقا میرزا مهدی سه سال، ایام عید، به مقصد زیارت معصومه قم، سلام الله علیها، به این شهر مسافرت کردند. در سفر اخیر مغفوره، حضرت امام خمینی درس اسفار خود را تعطیل کردند و فرمودند، آقای آشتیانی در رتبه اساتید من هستند، با این فرق که جناب میرزا سال‌هاست که استاد مصباح و فصوص، اسفار و شفایند و از اساتید بزرگی مانند آقا میرزا هاشم و آقا میرزا حسن استفاده کرده‌اند.»^۷

آیت‌الله بروجردی نیز برای ایشان احترام ویژه‌ای قائل بود و در بیماری‌ای که برای میرزا مهدی حادث شد، اشد توجه و پیگیری را جهت درمان ایشان به عمل آورد. همچنین آیت‌الله کاشانی مقدمات سفر ایشان را به کشورهای اروپایی جهت معالجه فراهم نمود.

هرچند از میرزا مهدی آشتیانی آثار زیادی در دسترس نیست و عمده نوشته‌ها و تقریرات ایشان، از جمله ترجمه بسیار عالی‌ای که ایشان از اسفار اربعه به سفارش دانشگاه تهران فراهم آورده‌اند، هنوز شناخته نیست^۸، دو اثر چاپ‌شده از ایشان، که برخی از شاگردان دانشمند ایشان آن را فراهم آورده‌اند، به خوبی تسلط و تضرع و عمق اندیشه وی را نشان می‌دهد. حواشی ایشان بر منظومه حاج ملا هادی به حدی نفیس است که برخی از فضلا در باب آن گفته‌اند:

«تعلیقات آن بزرگوار، که بهترین تعلیقه بر کتاب شرح



تعلیقات آن بزرگوار،
که بهترین تعلیقه
بر کتاب
شرح منظومه حکیم
سبزواری است...
با نثری روان و
عباراتی زیبا و پخته و
حاکمی از
احاطه میرزا مهدی
با افکار اهل تحقیق
به قید تحریر
آمده است.

منظومه حکیم سبزواری است... با نثری روان و عباراتی زیبا و پخته و حاکی از احاطه میرزا مهدی با افکار اهل تحقیق به قید تحریر آمده است و بالاخره آنچه قابل توجه است تسلط مرحوم میرزا به کلمات عرفاست و در این باب گوی سبقت را از مؤلف ربوده است و در حکمت متعالیه نیز در حل مشکلات ید بیضا نموده است.^۹

در باب دیگر اثر به طبع رسیده میرزا مهدی آشتیانی، اساس التوحید در مبحث قاعده الواحد لایصدر عنه الا الواحد، گفتنی است که اثری به این حجم و عمق در باب یک قاعده فلسفی در تاریخ فلسفه بی نظیر است. وی بر آن بود که پس از این کتاب تصنیفی در وحدت وجود به طریقه محققان از عرفا، که اصحاب کشف و شهوندند، تألیف نماید؛ که اجل به او فرصت نداد.

گفتنی است میرزا مهدی آشتیانی، جز این دو اثر عظیم، آثار دیگری نیز دارد که از مهم‌ترین آنها حواشی مفصل ایشان بر اسفار و ترجمه کامل ایشان از این کتاب عظیم می‌باشد؛ که شاگرد گرامی ایشان، دکتر عبدالجواد فلاطوری، در مجله راهنمای کتاب بشارت‌دهنده وجود چنین آثار منیفی در حکمت الهی از این بزرگ‌مرد بود. البته ایشان تقریباً بر تمام آثاری که در حکمت و عرفان تدریس می‌نموده‌اند، حواشی گران‌قدری دارند و رساله‌ای در جبر و تقویض و معاد نگاشته‌اند.^{۱۰}

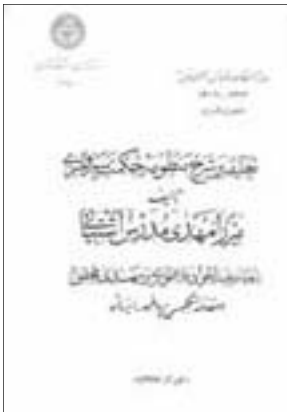
آثار باقی مانده از میرزا مهدی آشتیانی تنها منحصر به این نوشته‌ها نیست. عمده آثار وی به صورتی ماندگار از طریق شاگردان ایشان به اعصار بعد منتقل شد.

فکر و اندیشه من از دم توست گویا فکر و عبارات توام

بزرگانی چون ابوالحسن شعرانی، محمدتقی جعفری، مرتضی مطهری، جلال‌الدین آشتیانی، محمدرضا ربانی، مهدی حائری یزدی، جعفری لنگرودی، احمد خوش‌نویس، بدیع‌الزمان فروزانفر، علی‌محمد جولستانی و عبدالجواد فلاطوری تنها اندکی از خیل آثار الباقیه میرزا مهدی آشتیانی بودند که هر یک به تنهایی آثار وجودی فراوانی از خود به یادگار گذاشتند.^{۱۱}

میرزا مهدی آشتیانی را می‌توان از حکیمان و شارحان برجسته حکمت متعالیه و حکمت سینوی و از مدرسان بزرگ عرفان نظری در سده اخیر دانست. روش بحث و تقریر مطالب از ناحیه ایشان بیش از همه به آقا محمدرضا قمشه‌ای شبیه بود. استاد سیدجلال آشتیانی در این باب می‌نویسد: «مرحوم میرزا (قده) به عرفان تمایل شدید داشت و هر بحثی را به عرفان می‌کشاند؛ لذا به آقا محمدرضا قمشه‌ای علاقه و ارادت خاص داشت. چون استاد او، مرحوم آقا میرزا هاشم از تلامیذ درجه اول قمشه‌ای بود. مرحوم میرزا در هنگام بیان قواعد عرفانی اشعار عرفانی زیادی می‌خواند و می‌فرمود: "آقا محمدرضا در تصوف اشعار عرفانی زیادی قرائت می‌کرد که بعضی از آنها را خود بداهتاً انشاء می‌نمود و بعد از درس اغلب آنها را فراموش می‌کرد."^{۱۲}

از آنجا که از دو اثر به طبع رسیده میرزا مهدی آشتیانی تنها اساس التوحید وحدت منطقی و سازمان‌یافته‌ای دارد و سراسر این اثر در باب قاعده بسیار مهم «الواحد» است، نگارنده می‌کوشد، به اختصار، اهم مطالب این اثر را جهت ایجاد شوق در مخاطبان جهت مطالعه کل اثر بیان نماید. قاعده الواحد لایصدر عنه الا الواحد، از قواعد مهم مبحث آفرینش از دیدگاه فلسفی است که متضمن بیان ذو واسطه بودن امر خلقت و چستی صادر اول می‌باشد. بنابراین قاعده، هیچ کثرت و ترکیبی به حق متعال نسبت داده نمی‌شود و آنچه تحت عنوان کثرت و ترکیب در عالم یافت می‌شود، ناشی از جهات متکثری است که در نهاد وسایط فیض الهی موجود است. واحد در این قاعده همان واحد موجود در خارج است که نه تنها مانند ماهیات مرکب به جنس و فصل فروکاست نمی‌شود، بلکه به واسطه بساطتی که دارد، عاری از هر ترکیبی است. این قاعده عمیقاً با قاعده تسانخ علت و معلول مرتبط است. به این ترتیب که میان علت مفیض و معلول آن بایستی لزوماً سنخیت ذاتی باشد. بنابراین اگر معلولی حائز کثرت شئون به هستی آید، ناگزیر نشان از عدم بساطت علت آن می‌باشد. این قاعده در تاریخ فلسفه اسلامی از تأیید عموم فیلسوفان از جمله کندی، فارابی، بوعلی، سهروردی، میرداماد، خواجه نصیر و صدرالمتهلین برخوردار بوده است و برخی به بداهت آن حکم کرده‌اند. میرزا مهدی آشتیانی با احاطه خیره‌کننده‌ای، ضمن تقریر محل نزاع و واشکافی اجزای این قاعده، به بیان دلایل این قاعده، از منظر حکمت متعالیه می‌پردازد و دلایل له و علیه آن را به تفصیل مورد بررسی قرار می‌کند. همان‌گونه که این قاعده در تاریخ فلسفه اسلامی موافقان فراوانی یافته، مخالفانی نیز از این قاعده انتقاد نموده‌اند. از منتقدان مشهور این قاعده می‌توان امام محمد غزالی و فخر رازی را نام برد. هر دوی اینها این قاعده را منافی با عمومیت قدرت الهی می‌دانستند. در باب این اشکال پاسخ‌هایی متعددی موجود است؛ اینکه توانایی و قدرت برای واحد حقیقی این‌گونه نیست که وی قادر باشد امور متکثر را، که هیچ سنخیتی با وی ندارند، در وجود آورد، بلکه قدرت وی همان است که از او جز امر واحد صادر نشود و آنان که به گمان اثبات قدرت برای حق متعال، منکر





این قاعده‌اند، در واقع ندانسته ذات بسیط حق را محل کثرات و ترکیبات نموده‌اند. از استدلال‌ات مشهوری که این قاعده نیز در آثار بزرگان حکمت و از جمله میرزا مهدی آشتیانی ملاحظه می‌شود این بیان است که «در علت مفیض، سنخیت بین علت و معلول لازم است و این سنخیت صدور معلول واحد را از علت واحد ایجاب می‌کند و اگر فرض تعدد معلول شود، به ناچار باید در ذات علت، حیثیات متباین وجود داشته باشد تا میان علت و هر یک از معلول‌ها بتوان سنخیت را برقرار کرد و این خلاف فرض نخست است که علت واحد بسیط حقیقی است و در آن هیچ‌گونه ترکیبی، اعم از خارجی و عقلی، راه ندارد.»^{۱۳}

میرزا مهدی آشتیانی اهمّ مباحث فلسفی را در ذیل این قاعده بررسی می‌کند و گاه خواننده را چنان در اصطلاحات توبرتو فرومی‌برد که اگر مخاطب به‌راستی متوغل در حکمت نیز باشد، یارای همراهی با او را ندارد. هرچند نبوغ و استادی وی از لابه‌لای اثر مزبور و تعلیقات منظومه هویداست، به‌راستی شناخت دقیق‌تر وی و نوآوری‌هایش مرهون به طبع رسیدن تمام آثار این بزرگ‌مرد است.

وی سرانجام در سال ۱۳۳۲ هـ. ش (۱۳۷۲ هـ. ق)، درحالی که در سال‌های پایانی عمر از بیماری سرطان رنج فراوان می‌برد، به حضرت دوست پیوست. گفتنی است که در سال‌های پایانی عمر وی هیچ‌کس چونان دکتر عبدالجواد فلاطوری به تیمارداری میرزا مهدی مدرس آشتیانی، ملقب به فیلسوف شرق نپرداخت و هم او بود که پس از مرگ استاد با همکاری محقق یگانه، دکتر مهدی محقق، به تصحیح و طبع تعلیقات استاد بر حکمت منظومه همت گماشت.

پی‌نوشت

۱. در بررسی زندگانی میرزا مهدی از منابع ذیل سود جستیم:
- اساس التوحید، میرزا مهدی آشتیانی، تصحیح جلال‌الدین آشتیانی، امیرکبیر،

۱۳۷۷، صص ۲۱ - ۱.

- تاریخ حکما و عرفانی متأخر صدرالمآلهین، منوچهر صدوقی سها، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۹، صص ۶۶ - ۶۴.
- پژوهشگران ایران، ج ۵، هوشنگ اتحاد، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱، صص ۴۱۶ - ۴۱۵.
- همان، ج ۱، هوشنگ اتحاد، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۲، ج دوم، صص ۴۰۹ - ۴۰۸.
- خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، صدرا، ۱۳۷۶، ص ۵۳۹.
- دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۴۰۹.
- دایرة‌المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۱۷.
- زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی میرزا مهدی آشتیانی، تهیه و تدوین سهل‌علی مددی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی،

۱۳۸۵.

۲. چهره‌ها در تاریخ نظام آموزش عالی حقوق و عدلیه نوین، عباس مبارکیان، پیدایش، ۱۳۷۷، صص ۳۸۲-۳۸۱.

۳. شرح مقدمه قیصری، جلال‌الدین آشتیانی، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۵، ص ۳۳ پاورقی.

۴. اساس التوحید، ص ۱۵.

۵. همان، ص ۳.

۶. همان، ص ۲.

۷. همان، ص ۶.

۸. زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی میرزا مهدی آشتیانی، ص ۳۷.

۹. اساس التوحید، ص ۱.

۱۰. تاریخ حکما و عرفای متأخر، ص ۶۴.

۱۱. همان، ص ۶۵.

۱۲. تمهیدالقواعد، ابن‌ترکه، تصحیح سید جلال آشتیانی، بوستان کتاب، ۱۳۸۱، ص ۹۲ پاورقی.

۱۳. بررسی تطبیقی نظریه خلقت در حکمت متعالیه و عرفان نظری، مهدی کمپانی زارع، دانشگاه قم، ص ۱۳۳.